

از کتابخوان‌های حرفه‌ای بیشتر است. در واقع هر چقدر کیفیت کار بالاتر می‌رود مخاطبان کمتری می‌شوند. موسیقی پاپ یکبار مصرف و به مانند روزنامه است. در واقع موسیقی ای نیست که چندین بار قابل گوش دادن باشد بلکه بعد دو-سه بار گوش کردن خسته کننده می‌شود البته ناگفته نماند کارهای بسیار خوبی از هنرمندان ما در این سبک وجود دارد که قابل مصرف برای اجتماع و یک سبک عامیانه است که همه آن را می‌فهمند. اما بعد از روزنامه سطح بالاتر مجله خوان می‌شوند حالا باید مقایسه کنید چند نفر در اجتماع ما مجله می‌خوانند و چند نفر روزنامه!

باین حساب در حال حاضر تعداد روزنامه خوان‌های ما بیشتر از مجله خوان‌ها و حتی کتابخوان‌های حرفه‌ای است؟

بله. صد درصد. بطور مثال در تغذیه یک فست فود بیش از غذای خوب و پرخوابی مصرف می‌شود و ما همانطور که در خوردن فست فودها زیاده روی می‌کنیم و عمرمان کوتاه و بیماری می‌شویم همانطور هم با شنیدن و خواندن هنر سطحی و عامیانه روحمان بیماری می‌شود.

چه کسی مسئول نشان دادن انتخاب و راه درست است؟

در درجه اول خانواده. پدر و مادر نقش مهمی در تربیت نوع تغذیه فرزندان دارند. البته دولت هم موظف است هنر و موسیقی را در مدارس راه اندازی کند و تقویت شود. اگر هنر و موسیقی را در کشور مان قوی نکنیم هویت و انسانیت ما از بین می‌رود. به عنوان مثال با نگاه به مسأله ترافیک در شهر خواهید دید هر کسی از شهرستان با فرهنگ خود به تهران آمده و به سبک فرهنگی که بزرگ شده است رانندگی می‌کند. بنابراین باید به این نکته توجه داشت که فرهنگ مهم است و فرهنگ ملی مهمتر از آن.

در گذشته زبان و فکر مایکی بود اما امروز این گونه نیست و فقط به دنبال پول هستیم اما امیدوارم نسل آینده و فرزندان ما به یک فرهنگ واحد برسند. من از مسئولان فرهنگی کشور تقاضا دارم سال ۱۳۹۶ را به فرهنگ اختصاص بدهند اگر فرهنگ سازی صورت نگیرد ۲۰ تا ۳۰ آینده نابود خواهیم شد.

رسانه چقدر در این باره مسئول است؟

قطعا همه در این مسأله دخیل هستند. امیدوارم بزودی شاهد تماشای ساز از تلویزیون ایران باشیم. توجه منطقی نیست که صدای ساز پخش شود اما خود ساز را نمایش نمی‌دهند این چه منطقی است؟ بنابراین یک دست صدا ندارد و باید همه دست به دست هم بدهیم تا با افتخار ایرانی را که می‌خواهیم به وجود آوریم.

فعالیت‌های آتی شما در آینده چیست؟

زندگی «کوروش کبیر»، «دفاع مقدس» و «رستم و اسفندیار» کارهایی است که تقریباً در دست کار بوده و هست. البته در کار من سودی وجود ندارد به همین علت هیچ اسپانسر حمایت نخواهد کرد.

ناگفته نماند در ایران ما اسپانسر نداریم و کلمه اسپانسر به اشتباه بکار برده می‌شود. این افراد سرمایه گذار هستند در صورتی که فرهنگ نمی‌تواند سرمایه گذار داشته باشد و فقط نیاز به اسپانسر دارد که به معنا و مفهوم اروپایی این است که هیچ دخالتی در فرهنگ ندارد و برگشت پولی آن هم فکر نمی‌کنند.

به عقیده من هر کسی می‌خواهد فرهنگ نابود شود برود روی آن سرمایه گذاری کند. دشمن اول فرهنگ سرمایه گذار است. بعضی افراد فرق اسپانسر و سرمایه گذار را نمی‌دانند مثل اینکه در یک شهر یا روستایی اسب بیارند و چون تابه آن روز شکل اسب را ندیده‌اند اگر سؤال کنند نام این حیوان چیست بگویند فیل است.

در مورد چهار سال فعالیت دولت در عرصه فرهنگ و هنر و بخصوص موسیقی چه نظری دارید؟

هنر مند در تمام دنیا دولت را دوست ندارد حتی اگر از طلا هم درست شود هیچ علاقه‌ای ندارد.

حرف آخر...

عید باستانی را به هموطنان عزیزم تبریک می‌گویم و امیدوارم سال بسیار خوب برای مملکت ما باشد. سال صلح، دوستی، عشق و محبت که همیشه آیین ملت و مملکت ما بوده و هست. همچنین امیدوارم در سال جدید بیشتر به فرهنگ ما توجه شود. فرهنگ مهمترین اصل هر مملکتی است و ان شاء الله در سال نو هدف اصلی فرهنگ باشد چون بدون فرهنگ پیشرفتی ممکن نیست و به جایی نخواهیم رسید. ما می‌توانیم خوبی مان را از طریق فرهنگ بیان کنیم بنابراین آرزوی منم سال جدید یک سال فرهنگی باشد. در آخر دست به دست هم بدهیم تا در سال ۱۳۹۶ یک کشور پایه گذار در زمینه فرهنگ بنا کنیم؛ یک کشوری با ۲۵۰۰ سال قدمت که شایسته این فرهنگ بوده و هست است و نمونه‌ای برای آیندگان.

البته ارکستر سمفونیک تهران نیز پیش از انقلاب تقریباً ۵۰ نفر از اعضای آن خارجی بودند. در حال حاضر هم اگر بخوایم یک ارکستر آبرومند داشته باشیم و به تمام دنیا معرفی کنیم معتقدم باید رهبر خارجی دعوت شود.

آیا موافق هستید به عنوان رهبر میهمان ارکستر سمفونیک تهران را رهبری کنید؟

خیر. چندان علاقه‌ای به این کار ندارم و اگر هم تصمیم به انجام آن باشد ترجیحاً برخی کارهای خود را رهبری می‌کنم به این سبب که ارکستر ما یک دست نیست؛ نوازنده‌های خوب ما در کنار نوازنده‌های بسیار ضعیف کار می‌کنند در صورتی که نوازنده‌های بسیار خوب ما باید انتخاب شوند و در کنار اساتید و ویا نوازندگان خارجی سالها تمرین داشته باشند تا بتوانیم در کل شهرهای ایران اجرای موفقی را ارائه بدهیم.

آیا بهتر نیست رهبری ارکستر در مراکز آموزشی چون هنرستان هاتدریس شود؟

امکان این اتفاق بسیار ضعیف است به این سبب که در این زمینه معلم و استاد نداریم و بطور قطع اگر در هنرستان ما معلم خوب نباشد هیچ گاه ارکستر خوب و قوی هم نخواهیم داشت.

خود شما چطور؟ آیا حاضر به تدریس هستید؟

خیر. اگر هم بخوایم تدریس داشته باشم قطعاً آهنگسازی است نه رهبری ارکستر؛ وقتی ما هیچ ارکستری برای تمرین نداریم تا تجربه کنند تدریس رهبری آن فایده‌ای ندارد

این مسأله به مانند این است که سربازی را بدون تفنگ آموزش بدهند و انتظار داشته باشند سرباز خوبی شود. من بیشتر زمانم صرف آهنگسازی می‌شود و از حدود ۴۵ سال پیش که در آمریکا تدریس می‌کردم دیگر این کار را کنار گذاشتم به این سبب که متوجه شدم تدریس به آهنگسازی من ضرر می‌زند. اما با این حال شاید از شهریور ماه سال آینده مستر کلاس برگزار کنم.

ارکستر جوانان چطور؟

این ارکستر ضعیف است و البته گروهی جوان که می‌خواهند تجربه بدست بیاورند. آنها خود نیاز به رهبری دارند تا خودشان قوی شوند و پیشرفت کنند نه آنکه بایک رهبر تازه کار وارد مرحله تمرین شوند. بنابراین باز هم تأکید می‌کنم رهبر ارکستر باید از خارج کشور دعوت شود. به عنوان مثال ما شین یا قطعات آن را در ابتدا از خارج کشور تهیه می‌کنیم ولی بعد، در داخل تولید می‌شود بنابراین باید یکی - دو رهبر و اساتید با تجربه برای سازهای مختلف بیاوریم تا نسل را برای آینده آماده کنیم.

سیستم آموزش هنر و موسیقی در کشور ما چگونه است؟

متأسفانه سیستم آموزشی خوبی نداریم. سخت‌ترین مراکز با اداره‌ها در دنیا اداره کردن موسیقی است به این دلیل که اولاً دوره آموزشی آن بسیار طولانی و ۶ تا ۸ سال است دوم اینکه برای هر ساز یک استاد نیاز است؛ با این تفاسیر باید بگویم بخش آموزش موسیقی پرخرج‌ترین بخش دانشگاه‌های دنیاست اما در خارج از کشور چون هنر و موسیقی برایشان ارزشمند است در این خصوص هزینه می‌کنند اما در هنرستانی که معلم آن سالها در ارکسترهای مختلف سازی زنده است طبیعتاً نمی‌تواند شاگرد خوبی هم تربیت کند. من ویولنیست‌هایی را می‌شناسم که معلم‌های خوبی هم هستند اما جواجوی این تعداد شاگرد نیست.

البته ناگفته نماند قبل از انقلاب افراد خارجی بیشتری در بخش موسیقی فعالیت می‌کردند و بالطبع شرایط موسیقی خیلی بهتر از امروز بود. خوب بهتر است بگویم ذائقه موسیقایی و سلیقه نسل بعد از انقلاب روز به روز تغییر پیدا کرد و امروز می‌بینیم که به سمت پاپ موزیک کشیده شده‌اند.

تعداد روزنامه خوان‌ها بیشتر از کسانی است که مجله می‌خوانند؛ همچنین تعداد کسانی که مجله می‌خوانند

به عقیده من هنر، تعصب ندارد بنابراین برای داشتن یک ارکستر خوب و قوی باید رهبر ارکستر از خارج کشور انتخاب کنند. در آمریکا، هلند، برلین، وین، پاریس و... وقتی نوازنده یک ارکستر بازنشسته می‌شود با آنکه خودشان نوازنده دارند اما به تمام دنیا فراخوان می‌دهند. آنها به ملیت نگاه نمی‌کنند بلکه به کار نوازنده و تبحر او اهمیت می‌دهند.

یک ارکستر کار بلد باید آنقدر توانایی جذب مردم را داشته باشد که آنها پیگیر برنامه‌های ارکستر باشند.

در ایران وقتی ارکستری اجرای خوبی ندارد و صدای مزخرف و ناهنجار تولید می‌شود مسئولان ارکستر از مردم عذرخواهی می‌کنند و می‌گویند بعضی از نوازندگان ما تازه کار هستند نمی‌توانند خوب بنوازند ولی چون همه ما ایرانی هستیم حمایت کنید! در صورتی که این حرف‌ها برای هنرمثی ندارد؛ هنر نه ملیت می‌شناسد نه مملکت. اغلب رهبرهای ارکستر ما آنقدر با ارکستر تکرار می‌کنند تا خودشان یاد بگیرند جز آقای علی رهبری که تجربه رهبری دارند و تنها کسی بودند که با ارکسترهای خارجی در سطح حرفه‌ای کار کرده‌اند.

در دیدار با وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی آقای صالحی امیری از ایشان تقاضا کردم اساتید هنر را به چشم تنگ نظری که ملیت ندارد نگاه نکنند؛ تعصب ملی در هنر وجود ندارد و خودکشی است و شاید هم بدتر. بنابراین اساتید مهم و بزرگ را به ایران دعوت کنند تا موزیسین‌های ما را آموزش بدهند تا به سطح بالایی از موسیقی برسیم.

بعد از جنگ جهانی دوم کشورهایی چون چین، ژاپن، کره جنوبی و مالزی یک ارکستر کامل به کشور خود وارد کردند به این علت که آماده کردن یک ارکستر خوب حداقل به ۵۰ سال زمان نیاز دارد. مردم چین می‌دانند که موسیقی کلاسیک جزو سنت آنها نیست به همین سبب موزیسین‌های این سبک را از خارج کشور دعوت می‌کنند؛ همانطور که خارج از ایران سعدی و فردوسی شاعر همزبان آلمانی‌ها و انگلیسی‌ها نیست ولی آنها زبان فارسی را آموزش می‌بینند تا بتوانند مولانا و فردوسی بخوانند نه ترجمه این اشعار را.

شاید یکی از دلایل این اتفاقات تغییرات بسیاری است که در بخش فرهنگ ما ایجاد می‌شود. این امر به خودی خود سلیقه مسئولان فرهنگی را هم در بر خواهد داشت و در بدنه هنر چون موسیقی نیز تأثیر گذار است. رهبر ارکستر باید سالهای سال همراه ارکستر باشد تا بتواند یک ارکستر خوب پرورش بدهد نه اینکه دستخوش تغییر و تحولات شود.

تشکیل ارکستر مثل یک اداره است، اگر مسئول یاوزیری تغییر کند کارمندان ثابت هستند. در واقع ممکن است رؤسا و معاونان تغییر کنند اما کادر ثابت است. ارکستر سمفونیک لندن را افراد بسیاری رهبری کرده‌اند اما در اعضای ارکستر تغییری ایجاد نشده است. اعضای ارکستر را یک کمیسیون انتخاب می‌کنند بنابراین اگر ارکستر سمفونیک تهران بصورت اصولی تشکیل شود، سامان یابد و همه یک دست عمل کنند دیگر به خواست هیچ رهبر و موزیسینی نمی‌توانند اعضای آن را اخراج و یا دعوت کنند.

اعضای ارکستر در ایران ثابت هستند؟

خیر. اما اعضای ارکستر باید ثابت باشند و تغییر نکنند ولی هیچ وقت ثابت نبودند.

در تیم ملی فوتبال کشور ما اگر تیم، بازیکن و یامربی ضعیف عمل کنند سریعاً در فکر انتخاب یک مربی هستند اما متأسفانه در ارکستر که بیان کننده فرهنگ و هنر کشور ما است این دیدگاه وجود ندارد.

بله این نوع نگاه اشتباه است همانطور که اشاره کردید در تیم فوتبال از بازیکن تا مربی خارجی هستند. بخاطر دارم زمانی که ارکستر اپرا داشتیم همه نوازنده‌های ارکستر غیر ایرانی بودند



ارکستر ما به آن نظم و ترتیب و دیسپلین نرسیده و تا به امروز فرمانده خوبی نداشته است.

بنابراین کسی که رهبری ارکستر را بر عهده می‌گیرد باید سالهای سال تجربه رهبری داشته باشد.

رهبر ارکستر ایران باید بیش از ۲۰ بار آثار خود را رهبری کرده باشد نه آنکه زمان تمرین با گوش تمرین کند و یاد بگیرد و به جای آنکه از ارکستر جلوتر باشد همزمان با ارکستر پیش برود.